

# چرا رشد اقتصادی برای مردم ملموس نیست؟



محسن جلالپور

بر اساس آمارهای منتشر شده توسط بانک مرکزی، رشد اقتصادی طی شش ماه نخست سال جاری، ۷،۴ درصد اعلام شده و همچنین رشد اقتصادی فصل دوم سال نسبت به فصل مشابه سال گذشته، ۵،۴ درصد، مورد محاسبه قرار گرفته است. برای خیلی‌ها این سوال پیش آمده که رشد اقتصادی چگونه حاصل شده و این رشد از چه کیفیتی برخوردار است؟

عامل اصلی رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۵، افزایش فروش نفت بود که در اثر اجرایی شدن برجام امکان پذیر شد. اگر برجام نبود، به احتمال بسیار زیاد، رشد اقتصادی سال ۱۳۹۵ به ثبت نمی‌رسید. بیایید به

گذشته برگردیم و عملکرد اقتصاد ایران را از سال ۱۳۹۱ به بعد مرور کنیم. سال ۱۳۹۱ سال خوبی برای اقتصاد ایران نبود. در این دوره، تحریم‌ها شدت گرفت. از این دوره به بعد، ایران از فروش نفت منع شد و بدتر از آن، برای نخستین بار، بانک مرکزی ایران هم تحریم شد.

در اثر این تحریم‌ها، صادرات نفت ایران به ۹۰۰ هزار بشکه در روز کاهش پیدا کرد که برای اقتصاد نفت‌زده ایران یک اتفاق ناگوار بود. به مدت چهار سال عملاً ایران نتوانست بیش از یک میلیون و هفتاد هزار بشکه نفت خام صادر کند. آن‌جا که اقتصاد ایران وابستگی شدیدی به درآمدهای نفتی دارد، این محدودیت باعث فرورفتن این اقتصاد به یک دوره رکود شد. در سال ۱۳۹۱ رشد اقتصادی

ایران، منفی ۶،۸ درصد به ثبت رسید و این روند در سال ۱۳۹۲ هم تداوم یافت. از سال ۱۳۹۲، دولت تغییر کرد و با پیروزی آقای روحانی، انتظار حل و فصل مسائل هسته‌ای تقویت شد. همان‌طور که همه در جریان هستیم، مذاکرات هسته‌ای پس از تلاش‌های نفس‌گیر دیپلماسی و هدایت مدبرانه رهبر انقلاب، به سرانجام رسید و از دل مذاکرات، برجام بیرون آمد. پس از اجرایی شدن برجام، به طور مشخص، محدودیت صادرات نفت ایران برداشته شد و ما این امکان را یافتیم که دوباره در بازار جهانی به عنوان یک مدعی بزرگ، نفت عرضه کنیم.

این در حالی بود که به دلیل توقف سرمایه‌گذاری‌ها، توان تولید نفت ایران کاهش یافته بود و در عین حال بازارهای مانع نیز توسط رقیب تسخیر شده بود. به این ترتیب دو دیدگاه در کشور مطرح شد. دیدگاه اول این بود که ایران تا سال‌های طولانی نمی‌تواند توان تولیدی خود را به سال‌های قبل از تحریم برگرداند و دیگر این که در صورت احیای قدرت گذشته، بازارهای ایران از دست رفته‌اند و باز پس‌گیری آنها بسیار دشوار خواهد بود. با این وجود، وزارت نفت تلاش زیادی کرد که تولید ایران را به دوران اوج گذشته بازگرداند و خوشبختانه دیپلماسی نفتی هم به سرانجام رسید. به گونه‌ای که از بهمن ماه ۱۳۹۴ که تلاش‌ها آغاز شد تا مهر سال ۱۳۹۵، توان تولید ایران به حدود ۳،۸ میلیون بشکه در روز رسید.

این تحول قابل توجه بود و شاید کسی انتظار نداشت که تولید ایران به این اندازه افزایش پیدا کند. در حالی که برجام عملیاتی شده بود و وزارت نفت هم تلاش می‌کرد از طریق دیپلماسی نفتی حضور ایران را در بازارهای جهانی تثبیت کند، اتفاق دیگری در بازار نفت رخ داد که در حقیقت شوکی به بزرگی شوک تحریم‌های نفتی بود.

قیمت نفت پس از یک دوره طولانی، به شدت رو به کاهش گذاشت و شوک بزرگی به درآمدهای نفتی کشورهای نفت‌خیز وارد کرد. به این ترتیب کشورهایهایی که اتکا به درآمدهای نفتی داشتند، دچار مشکلات زیادی شدند که پیش از این شرح داده شد.

خوشبختانه نحوه مدیریت اقتصاد کلان کشور به گونه‌ای بود که ما از دو شوک بزرگ نفتی آسیب جدی ندیدیم و حتی رشد اقتصادی هم داشتیم.

در همین شرایط، روند رو به کاهش تورم هم ادامه یافت و رشد اقتصادی هم حاصل آمد. به این ترتیب در مجموع باید عملکرد اقتصاد ایران را مثبت ارزیابی کرد. اما وجود برخی نارسایی‌ها و عملکردهای نادرست باعث شد مردم رشد اقتصادی را به خوبی لمس نکنند. مثل این که فضای کسب و کار متأسفانه مثل قبل بدون تغییر باقی ماند. از آمد و رفت هیأت‌های خارجی بهره‌برداري مطلوب صورت نگرفت و در نتیجه سرمایه‌گذاری خارجی بهبود پیدا نکرد. دسترسی به تسهیلات بانکی، هم چنان دشوار باقی ماند و بخش خصوصی آن‌گونه که باید، به بازی گرفته نشد.

نتیجه این که اقتصاد ایران رشد کرد اما این رشد در نتیجه افزایش فروش نفت بود و انعکاسی در

کسب و کار مردم نداشت. در صورتی که مجوزهای زائد حذف می‌شد و فضای کسب و کار تسهیل می‌شد و اختلافات سیاسی هم کاهش پیدا می‌کرد، مردم بهتر و بیشتر، رشد اقتصادی را لمس می‌کردند. در کنار این‌ها، اقتصاد ایران، از چند عارضه رنج می‌برد. بخش عمده‌ای از این مشکلات، ساختاری‌اند و از سال‌ها قبل انباشت شده‌اند.

در حال حاضر صندوق‌های بازنشستگی و بانک‌ها بمب‌های عمل‌نکرده اقتصاد ایران هستند که متأسفانه با وجود تلاش‌های زیادی که در این دولت صورت گرفت، هم چنان لاینحل باقی مانده‌اند و به احتمال زیاد در آینده برای کشور مشکل ایجاد خواهند کرد. بنابراین نمی‌شود از دستاوردها سخن گفت بی آن که نسبت به این مسائل بی تفاوت بود.

البته پس از آن که برجام اجرایی شد و برخی موانع پیش روی تجارت برداشته شد، شاهد رونق قابل توجه کسب و کارهای تجاری بودیم به گونه‌ای که نرخ رشد ارزش حقیقی صادرات در شش ماهه نخست سال ۱۳۹۵، در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۳۵،۵ درصد رشد داشته است. این افزایش سهم ناچیزی در رشد اقتصادی کشور داشت اما به هر حال از ایجاد تحرک در برخی کسب و کارهای صادرات محور حکایت دارد.

سال گذشته در یکی از سخنرانی‌هایی که داشتم پیش‌بینی کردم که رشد اقتصادی سال ۱۳۹۵ کاملاً منشأ نفتی خواهد داشت. اکنون هم آمارها نشان می‌دهد که رشد اقتصاد ایران در بخش غیرنفتی زیر یک درصد است. یعنی بخش غیرنفتی اقتصاد کشور رشدی کمتر از یک درصد داشته که عمدتاً مربوط به سه بخش خودرو، پتروشیمی و کشاورزی بوده است. در سایر بخش‌ها به ویژه

در بخش صنعت، رشد منفی داشته‌ایم. یعنی ۹۰ درصد از رشد ۷/۴ درصدی اعلام‌شده مربوط به نفت، میعانات گازی است و بقیه مربوط به بخش‌هایی که اشاره کردم.

**آقای روحانی قول داده بود تورم را تک رقمی کند و در این کار موفق بود اما دولت در حال حاضر، رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال و میدان دادن به بخش خصوصی را به مردم بدهکار است. بنا بر این احتمال می‌دهم دولت آینده کمی تورم را آزاد بگذارد تا رونق اقتصادی بیشتری ایجاد شود**

## تورم چه سرنوشتی پیدا خواهد کرد؟

شاید مهم‌ترین دغدغه‌ای که متخصصان اقتصاد کلان کشور دارند این است که اقتصاد ایران با تورم یک رقمی سازگاری ندارد. اما به هر حال کاهش تورم یک دستاورد بزرگ برای دولت آقای روحانی است. این که این روند تداوم پیدا کند به دولت آینده و سیاست‌های اقتصادی آن دولت بستگی دارد.

دولت آقای روحانی تلاش کرد از طریق انضباط مالی و چشم‌پوشی از منابع بانک مرکزی، تورم را کنترل کند. اگر دولت آینده هم چنین هدفی داشته باشد، قاعدتاً تورم تک رقمی تداوم خواهد داشت اما اگر دولت آینده به هر دلیل نخواهد این راه را ادامه بدهد، آن‌گاه باید با تورم تک رقمی خداحافظی کرد. البته این

نکته را هم باید مد نظر داشت که حتی اگر سال آینده آقای روحانی دوباره رئیس‌جمهور شود، برای این که بتواند هم چنان تورم را تک رقمی نگه دارد، چالش‌های زیادی خواهد داشت. چون در ۴۰ سال گذشته، هیچ‌گاه اقتصاد ایران در چند فصل پیاپی نتوانسته تورم را تک رقمی نگه دارد. به نوعی، گروه‌های فشاری در اقتصاد ایران وجود دارند که با وجود تورم تک رقمی قادر به تداوم حیات نیستند. باید دید دولت آینده چقدر می‌تواند منافع این گروه‌ها را حول تورم تک رقمی تعریف کرده و هم چنان بر روند کاهش تورم تأکید کند.

## رشد اقتصادی سال آینده

تداوم رشد اقتصادی هم به هدف دولت آینده بستگی دارد. باید دید نامزدهای اقتصادی در انتخابات پیش رو چه اهداف و برنامه‌هایی را اعلام می‌کنند و این برنامه‌ها چقدر مورد توجه مردم قرار می‌گیرد و بعد به عنوان اهداف اصلی دولت آینده در دستور کار قرار می‌گیرد. چنانچه سیاست‌های اقتصادی فعلی در دولت آینده ادامه پیدا کند، در این صورت آن چه در دولت یازدهم پی‌گیری شده، در دولت بعدی هم دنبال خواهد شد.

آقای روحانی قول داده بود تورم را تک رقمی کند و در این کار موفق بود. اما دولت در حال حاضر، رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال و میدان دادن به بخش خصوصی را به مردم بدهکار است. بنا بر این احتمال می‌دهم دولت آینده کمی تورم را آزاد بگذارد تا رونق اقتصادی بیشتری ایجاد شود. به خصوص اگر درآمدهای نفتی افزایش پیدا کند، به‌طور طبیعی پول بیشتری در اختیار دولت قرار خواهد گرفت و به این ترتیب، این پول برای اجرای پروژه‌های عمرانی هزینه خواهد شد.

\* تحلیلگر اقتصادی